

PRESS RELEASE

Bahá'í International Community

14 August 2025

For Immediate Release

For more information, contact:

- Simin Fahandej in Geneva at (office) +41 (22) 798-5400 or (mobile) +41 (78) 880-0759
- Padideh Sabeti in London at (mobile) +44 (774) 338-2905
- Farhad Sabetan in San Francisco at (office) +1 (847) 733-3460 or (mobile) +1 (925) 548-9818
- Vesagh Sanaei in Sydney at (mobile) +61 (410) 38-5060

توقیف از طریق پیامک: مصادره اموال بیش از ۲۰ بهائی در اصفهان

ژنو، سوئیس—۲۳ مرداد ۱۴۰۴—بیش از ۲۰ بهائی در اصفهان، صرفاً به دلیل اعتقادشان، با مصادره منازل، دارایی‌ها و حتی وسایل نقلیه خود مواجه شده‌اند. مقامات اصفهان با استناد به اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سوءاستفاده آشکار از آن، بدون هیچ‌گونه مدرک، و بدون طی شدن روند دادرسی قانونی یا شفافیت، اموال قانونی بهائیان را توقیف کرده، حساب‌های بانکی آن‌ها را مسدود و معاملات عادی‌شان را متوقف نموده‌اند. اصل ۴۹ قانون اساسی برای بازپس‌گیری اموالی استفاده می‌شود که از راه‌های نامشروع به‌دست آمده باشد. بسیاری از بهائیان صرفاً از طریق یک پیامک و خارج از چارچوب‌های قانونی از این توقیف و مصادره‌ها مطلع شدند.

این اقدامات از طریق دادگاه ویژه اصل ۴۹ انجام می‌شود که شاخه‌ای از دادگاه انقلاب و زیر نظر ستاد اجرایی فرمان امام است، نهادی که وظیفه‌اش شناسایی و توقیف اموال به‌دست‌آمده از راه‌های نامشروع و بازگرداندن آن‌ها به صاحبان قانونی یا در صورت نبود صاحب، به خزانه عمومی است. طبق ساختار جمهوری اسلامی، اموالی که در قالب اصل ۴۹ توقیف می‌شوند از طریق این ستاد در اختیار رهبر جمهوری اسلامی، آیت‌الله علی خامنه‌ای، قرار می‌گیرند. در عمل، این بدان معناست که مصادره‌هایی که بهائیان را هدف قرار می‌دهد به نهادهایی منتقل می‌شود که مستقیماً زیر نظر رهبری قرار دارند.

سیمین فهندژ، نماینده دفتر جامعه جهانی بهائی، در ژنو می‌گوید: «اصل ۴۹ برای بازگرداندن اموال سرقت‌شده تدوین شده، نه برای غارت دارایی‌های شهروندان و محروم کردن خانواده‌ها از خانه و امرار معاش. آنچه شاهدش هستیم عملاً سرقت سازمان‌یافته حکومتی است، مصادره از طریق پیامک. این اقدام، تبعیض‌آمیز و کاملاً غیرقانونی است و با هدف فقیر کردن یک اقلیت مذهبی تنها به دلیل اعتقادش انجام می‌شود.»

در ماه‌های اخیر، مقامات حکومت، پرونده‌های قضایی جدیدی را علیه بیش از ۲۰ بهائی در دادگاه ویژه اصل ۴۹ باز کرده‌اند. این درحالی است که برخی از این افراد هم‌اکنون در حال گذراندن احکام سنگین هستند، برخی در انتظار تجدیدنظر حکم‌شان به سر می‌برند و برخی در روند تجدیدنظر از اتهامات سابق تبرئه شده‌اند. هیچ مدرکی برای توجیه این مصادره‌ها که دامنه آن‌ها خانه‌ها، مزارع، خودروها و حساب‌های بانکی را دربرگرفته، ارائه نشده است.

روند دادرسی‌ها به صورت مخفیانه و بدون رعایت تشریفات قانونی انجام شده است. پرونده‌ها در «سامانه ثنا»، درگاه رسمی ابلاغ الکترونیک قضایی ثبت نمی‌شوند؛ در حالی که احضاریه‌های قانونی، اطلاعیه دادگاه‌ها و ابلاغ احکام باید از طریق این سامانه صورت گیرد. به جای آن، بهائیان به صورت ناگهانی پیامک‌هایی دریافت می‌کنند مبنی بر اینکه پرونده‌شان به دادگاه اصل ۴۹ ارجاع شده است، در حالی که هیچ نشانی از این موضوع در سامانه ثنا وجود ندارد و وکلای مدافع از دسترسی به پرونده‌ها محروم هستند. کلیه اعضای این خانواده‌ها و شرکای مالی، حتی افرادی که هیچ اتهامی علیه آن‌ها مطرح نبوده، بدون اینکه شواهدی دال بر کسب غیرقانونی اموالشان ارائه شود- که از الزامات اصل ۴۹ است- هدف احکامی مانند منع فروش یا انتقال اموال، مصادره خانه‌ها، مسدود شدن حساب‌های بانکی، ممنوعیت خروج از کشور و حتی توقیف خودروها در ایست‌های معمولی در خیابان‌ها قرار گرفته‌اند.

خانم فهندژ گفت: «این اقدام، اجرای قانون نیست، بلکه خفقان اقتصادی در پوشش قانون است. سازوکارهای قانونی‌ای که باید از مردم حفاظت کنند، اکنون علیه آن‌ها استفاده می‌شود. این نقض فاحش عدالت است. مصادره غیرقانونی و خودسرانه اموال بهائیان در اصفهان، مصداق سرقت حکومتی است.»

«چگونه برای حکومت ایران از نظر اخلاقی، قانونی یا حتی بر اساس آموزه‌های دینی‌اش قابل قبول است که زندگی مردم را با یک پیامک زیر و رو کند و املاک و دارایی‌ها را که حاصل سال‌ها یا حتی دهه‌ها کار سخت است، یک‌باره توقیف کند و از بین ببرد؟ چه کسی باید پاسخگوی املاک و دارایی‌های بی‌شماری باشد که از زمان انقلاب تاکنون تنها به دلیل باور بهائیان ایران از آن‌ها گرفته شده است؟»

این اقدامات اقداماتی پراکنده نیستند، بلکه با چارچوب الگوی چهارده مصادره اموال بهائیان از زمان انقلاب ۱۳۵۷ مطابقت دارند. در این سال‌ها، مسئولان حکومتی اماکن مقدس و آرامستان‌های بهائیان را تصرف کرده و هزاران خانه، مزرعه و کسب و کار خصوصی را مصادره کرده‌اند. دادگاه‌ها مصادره زمین‌های بهائیان در روستاهایی مانند ایول و کتا را تأیید کرده‌اند. به عنوان مثال در کتا در سال ۱۴۰۱ زمین‌های کشاورزی آبی متعلق به ۲۷ بهائی مصادره شد که استمرار مصادره‌ها در قالب اجرای اصل ۴۹ را نشان می‌دهد.

گزارش‌های رسیده از تعاملات در دادگاه‌ها، حاکی از وجود فضای ارعاب است. بر اساس برخی گزارش‌ها، مرتضی براتی، قاضی دادگاه ویژه اصل ۴۹ در اصفهان، گفته است که قصد «تصاحب» تمامی دارایی‌های بهائیان اصفهان را دارد و در یک مورد، زنی بهائی را با این تهدید از دفتر خود بیرون کرده که «اگر دادگاه تشکیل شود، زندگی‌ات را نابود می‌کنیم.» به افراد گفته شده تماس تلفنی حکم احضاریه را دارد و هشدار داده شده که در صورت عدم مراجعه فوری، حتی زمانی که متهمان تحت نظارت الکترونیکی یا در حال دریافت درمان پزشکی باشند، حکم جلب صادر خواهد شد. در یک مورد، به زنی که تحت شیمی‌درمانی قرار داشت گفته شده است باید در دادگاه حضور یابد. این نشان می‌دهد که چگونه از تهدیدهای بی‌رحمانه و سنگدلانه برای منصرف کردن افراد از پیگیری قانونی و اجبار به تمکین استفاده می‌شود.

این موج جدید مصادره به موازات پرونده‌های موجود دیگر آغاز شده است. در یک پرونده، ۱۰ زن بهائی در اصفهان، نگین خادمی، یگانه آگاهی، یگانه روح‌بخش، ندا بدخش، مژگان شاه‌رضایی، شانا شوقی‌فر، آرزو سبحانیان، پرستو حکیم، بهاره لطفی و ندا عمادی، که در مهر ۱۴۰۳ مجموعاً به ۹۰ سال زندان محکوم شدند، نزدیک به یک سال

بعد، هریک از طریق پیامک و خارج از سامانه ثبت رسمی مطلع شدند که پرونده جدیدی تحت اصل ۴۹ علیه آنها گشوده شده است. ارجاع پرونده‌های اخیر شتاب بیشتری گرفته و ظرف چند هفته پس از بازجویی یا یورش به خانه‌ها رخ می‌دهد.

پرونده‌ها همچنین دامنه وسیع این سرکوب‌ها را نشان می‌دهد. حمید منزوی، ارشیا روحانی و آرش نبوی که تحت نظارت الکترونیکی بودند، در حالی که جلسه رسیدگی به ماده ۴۹ در شرف تشکیل بود، مطلع گشتند که از انجام معاملات منع شده‌اند؛ آنها و وکلایشان در جلسه دادگاه حاضر نشدند زیرا از بررسی پرونده‌ها منع شده بودند. اعضای خانواده‌ای دیگر با وجود تبریئه از اتهامات قبلی، با مصادره سریع مزرعه پسته مواجه شدند در حالی که وکلا همچنان از دسترسی به پرونده محروم هستند. فرد بهائی دیگری در اصفهان پیامکی دریافت کرد که در آن بدون هیچ توضیحی ذکر شده بود حساب بانکی‌اش با حکم دادگاه مسدود شده است.

خانم فهندژ خاطرنشان کرد: «خانواده‌های بهائی در ایران، طی نسل‌ها، شاهد نابودی معیشت، پلمب اماکن کسب‌وکار و مصادره خانه‌ها و اموالشان بوده‌اند. امروز حتی سال‌ها کار صادقانه می‌تواند با یک پیامک نابود شود.»

«این فقط مسئله سوءاستفاده از روند قانونی نیست؛ بلکه ویرانی زندگی خانواده‌ها در سکوت است، محروم کردن آنها از پس‌انداز، کار، تحصیل و مراقبت‌های پزشکی. ما از مسئولان حکومت ایران می‌خواهیم وجدان خود را بیدار کرده و بهائیان را به عنوان انسان در سرزمین خودشان به رسمیت بشناسند و حقوق مشروع آنها را بازگردانند. ما از حکومت ایران می‌خواهیم که صرفاً به قوانین خود و تعهداتش به حقوق بین‌الملل احترام بگذارد. بهائیان در ایران بیگانه نیستند، بلکه بخشی از تار و پود، تاریخ و آینده این کشور به‌شمار می‌روند و تا زمانی که حکومت ایران این واقعیت را نپذیرد، نمی‌تواند به ساخت کشوری واقعاً آباد و شمول‌پذیر، چه اکنون چه در آینده، امیدوار باشد.»

پیش‌زمینه

اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حکومت اجازه می‌دهد ثروتی را که از طریق نامشروع، از جمله از طریق اختلاس، سرقت، رشوه و ربا، به‌دست آمده، مشروط به طی روند دادرسی قضایی، مصادره کند. اما این اصل در عمل غالباً به عنوان ابزاری قانونی برای هدف قراردادن دگراندیشان سیاسی و مذهبی، و نه برای مقابله با فساد مالی واقعی، استفاده شده است. اموال توقیف‌شده تحت اصل ۴۹ معمولاً در اختیار رهبر جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند و او می‌تواند آن‌طور که صلاح می‌داند از آنها استفاده کند. نکته قابل توجه این‌که احکام دادگاه‌های اصل ۴۹ قابل تجدیدنظرخواهی مستقل نیستند و این امر عملاً هرگونه نظارت معنادار بر اختیارات قضایی را از بین می‌برد.

سازوکار نهادی مسئول اجرای اصل ۴۹ که با عنوان «ستاد اصل ۴۹» شناخته می‌شود، در سال ۱۳۶۳ تأسیس شد و در سال ۱۳۷۹ به‌طور قابل توجهی گسترش یافت. این نهاد در هماهنگی با قوه قضائیه، نهادهای امنیتی و «ستاد اجرایی فرمان امام»، که یک مجموعه عظیم اقتصادی تحت کنترل رهبر جمهوری اسلامی است، فعالیت می‌کند.

یکی از ناعادلانه‌ترین جنبه‌های دستگاه قضایی جمهوری اسلامی این است که اگر یکی از شعب دادگاه انقلاب، حکم مصادره‌ای را براساس اصل ۴۹ به نفع نهادهای مالی رهبر صادر کند، این حکم تنها در همان شعبه صادرکننده قابل

تجدیدنظرخواهی است و شعبه تجدیدنظر مستقل دیگری وجود ندارد. این رویه، امکان بازنگری بی طرفانه را از بین می برد. این روند توسط دیوان عالی جمهوری اسلامی نیز تأیید شده است.

عبدالکریم لاهیجی، حقوقدان برجسته و از تدوین کنندگان نخستین قانون اساسی ایران (که بعداً کنار گذاشته شد) می گوید: «این اصل در عمل به قضات اختیارات نامحدودی می دهد تا اموال افرادی را که از نظرایدئولوژی یا سیاسی نامطلوب حکومت هستند، با پوشش اجرای عدالت برای مستضعفان، مصادره کنند.»